

## ۱۶ زندگی ایران جامجم

خبر

### حفاظت از میراث فرهنگی با مشارکت مردمی

رویدادهای مثبتی مثل تجلیل از نیروهای وظیفه شناس ارگان های مختلف مدتی است در کشورمان پایه ریزی شده؛ مثل تجلیل از پرستارها یا محیط بانان خدم و ایران دوستی که گاه جانشان را برای حفاظت از میهن و مردم در معرض خطر قرار می دهند. رویدادی جدید از این دست خوشبختانه در وزارت میراث فرهنگی و گردشگری هم کلید خورده و طی روزهای گذشته از میراث بانان برگزیده کشور تجلیل به عمل آمد. این مراسم که با حضور مونسان، وزیر گردشگری و میراث فرهنگی و سردار رحمت اللهی، فرمانده یگان حفاظت میراث فرهنگی برگزار شد، سردار رحمت اللهی گفت: در شرایط فعلی با پیگیری کپفری سعی داریم تا سلامت جامعه را حفظ کنیم، اما در مورد حفظ آثار فرهنگی و پیگیری از جرائم در این حوزه به اندازه‌ای که با هزینه ارتکاب جرم روبه رو هستیم، با آسیب‌های غیرقابل جبران نیز روبه‌رو هستیم و باید اقدامات گسترده‌ای درخصوص پیشگیری در این حوزه انجام شود. وی سخنانش را با اشاره به قانون فلزیاب پایان داد و گفت گرچه هرگونه خرید و فروش و حتی تبلیغ باید با کسب مجوز از وزارتخانه میراث انجام شود، اما به نظر می‌رسد ضمانت اجرایی این قانون که توقیف فلزیاب بود، بازدارندهٔ عدم انجام این تخلف نبود، بنابراین با رصد فضای مجازی سایت های فروش فلزیاب را ردیابی کردیم و تاکنون ۱۲۰ سایت متخلف مسدود شده‌اند.

وزیر گردشگری هم در این مراسم گفت باتوجه به شرایط کشور، امکان افزایش بودجه و نیروهای یگان حفاظت را نداریم اما می‌توانیم برای حفاظت از میراث فرهنگی مشارکت مردمی را به حداکثر برسانیم که این امر می‌تواند با فرهنگسازی به طور اعم و گنجاندن مفاهیم میراث فرهنگی در کتب درسی به طور اخص انجام شود. در همین راستا صحبت‌هایی با وزیر آموزش و پرورش داشتیم و قرار شد تفاهمنامه‌ای در این خصوص داشته باشیم. / جام‌جم دیلی



۲تصویر کاملاً متفاوت در دل کویر کرمان

**عکس:**

امیدخدایاری بنفشه‌حاج علی اکبری

### مزایده عجیب عمارت اقدسیه تهران

گاهی یک تصمیم درباره یک عمارت می تواند آنقدر مهم باشد که صدای چند نماینده مجلس را هم دربرآورد؛ مثل مزایده عمارت اقدسیه در خیابان اقدسیه تهران، بدون پیش شرط عدم تخریب. خبر این مزایده در حالی رسانه ای شده که حناچی، شهردار تهران گفته تدبیری می اندیشیم که خانه را به کسی نفروشیم که آن را خراب کند. اشتباه



سفر به کویر شهداد؛ جایی که احتمالاً سرزمین عجایب ایران است

# دریادر دل کویر

فاطمه فراهانی

ایران

**پنجشنبه‌های ایرانگردی**

هر هفته

یک گوشه از ایران زیبا

📍📍📍

**در دل کویر کرمان**

**جایی است**

**با ۲ درجه هوای**

**کاملاً متفاوت؛**

**داغ‌ترین نقطه**

**زمین در شهداد**

**سحرانگیز**

**با کلوٲ هایش**

**و دره ای خنک و**

**سرسبز و پر آب**

این است که فکر می‌کنید قرار است زیر این ساختمان بولدورز بزنیم و آن را خراب کنیم حال آن‌که قرار نیست این خانه زیبا خراب شود و خانه را به افرادی می‌فروشیم که تمایل به حفظ بنا به همین شکل را داشته باشند. با وجود این سخنان حناچی اما در آگهی مزایده فروش عمارت پیش شرط عدم تخریب دیده نمی‌شود، همین است که

امروز می‌خواهیم دست‌تان را بگیریم و پرواز کنیم به سمت سرزمین عجایب ... البته که ایران شگفتی کم ندارد و عجایبش بی‌شمار است، اما جایی که این هفته با هم می‌روییم یکی از شگفت‌انگیزترین مناطق ایران است؛ جایی که در یک فصل و در یک ماه و در یک روز می‌توانی داغ‌ترین و خنک‌ترین هوا را همزمان و با اندکی فاصله تجربه کنی؛ پیاده‌روی روی شن‌های داغ و نرم و چشم دوختن به اشکال زیبا و دلهره‌آور کویر و قدم گذاشتن بر تکره‌ای سرد و ژال که زاییده آیشاری بلند بالاست، همه از نشانه‌های همان سرزمین عجایب است که گذرشی رفت و با هم به آن سفر می‌کنیم؛ جایی در استان تاریخی کرمان و طبیعت باستانی‌اش.

مقصدمان شهداد است؛ کویر شهداد؛ کویری زیبا در دل دشت لوت در فلات مرکزی ایران؛ یعنی همان کرمان خودمان؛ جایی که در نوروز پذیرای گردشگران فراوانی از سراسر کشور است، اما با طبیعت بکر و متنوعی که دارد همه فصل‌هایش می‌تواند گردشگرپذیر باشد. برای رسیدن به شهداد اول خودتان را به کرمان برسانید. اگر اهل و ساکن تهرانیید، می‌توانید با قطار عازم کرمان شوید. این مسیر هم اکنون قطارهای تمیز و مجهزی دارد. ما نیز همین‌گونه به کرمان رسیدیم. کرمان شهر گرمی است، اما بادی خنک به استقبال‌مان می‌آید و توی صورت‌مان می‌خورد... برای رسیدن به شهداد کافی است حدود ۹۰ کیلومتر (یک ساعت) از شهر کرمان در جهت شمال شرق برانید... حالا در شهدادیم ... آن وقت اگر از شهداد به سمت شمال شرق برانید به بکرترین و زیباترین مناطق گردشگری جهان یعنی سرزمین کلوٲ‌ها می‌رسید و اگر پیکان مسیرتان را از مرکز شهداد به طرف جنوب غرب بچرخانید، به مناطق کوهستانی و دره مانندٔ سردسیر و پربابی خواهید رسید که در خواب و رویا هم تماشایش محال است. برای رسیدن به این مقصد رویایی هم می‌توانید در یکی از توره‌ای گردشگری ثبت‌نام کنید و هم به تنهایی یا با خانواده راهی سفر شوید. البته که ما سفر با توره‌ای گردشگری را توصیه می‌کنیم، اما اگر مثل ما به هر دلیل نتوانستید با توری هماهنگ شوید، حتما راهنمای محلی داشته باشید. راهنمای ما پسر سی‌ه‌چرده و خوش‌لهجه است که شهداد را می‌شناسد.

**من اینجایم؛ در سرزمین جن و پریان**

شهداد به حق یکی از مشهورترین و یکی از مقاصد بین‌المللی ایران است که شهرتش را مدیون کویر و کلوٲ‌های (سازه‌های شنی) زیبایش است. این روزها از سمت کرمان که به سمت شهداد بروی، هوا مطبوع است و نیازی به پوشیدن لباس گرم نیست، اما لباس گرم همراهتان باشد که در جایی که خواهیم گفت و به آن خواهیم رسید، حتماً احتیاج‌تان می‌شود.

شهداد، شهری است مثل سایر شهرهای ایران، با این تفاوت که دروازه ورود به یکی از عجیب‌ترین، زیباترین و سحرانگیزترین سرزمین‌های دنیاست؛ سرزمینی که بخشی از طبیعتش گویا متعلق به جهانی دور، واری ابرها، جایی مثل کرهٔ مریخ یا ماه است؛ همان طبیعتی که مزین شده به کلوٲ‌های کوچک و بزرگ و گاه هولناک و افسانه‌ای.

به کویر شهداد و منطقه موعود نزدیک می‌شویم و خورشید هم آرام آرام بالا می‌آید تا طعم هوای داغ کویر را بر تن‌مان نشانند. البته هنوز هوا آنچنان گرم نشده که بتوان گفت به گرم‌ترین نقطه جهان رسیده‌ایم، اما بد نیست بدانید داغ‌ترین نقطه روی کرهٔ زمین، جایی است در همین شهداد کویری... ۲۰ دقیقه پس از راه افتادن از شهر شهداد به عجایب کلوٲ‌ها می‌رسیم. راهنما می‌گوید اگر صبح یا عصر به منطقه کلوٲ‌ها می‌آیدیم، هوا خنک‌تر بود، اما در همین گرمای دم‌ظهر هم کلوٲ‌های شنی کوچک و بزرگ زیبایست و تماشاایی و رفتن روی شن‌های نرم کویر پر از حس خوب. این حس خوب با آرامش حاصل از سکوت و سکون منطقه بیشتر هم می‌شود. سکوت و خلوتی که گاه‌آن رازوزه‌های هولناک باد در هم می‌شکند؛ بادی که گویا می‌خواهد در گوشٲ قصه‌ای، حکایت و رازی از مردمان دوران باستان یا افسانه‌ای از جن و پریان بخواند.

**به کشیت خوش آمدید**

حالا زمان رفتن به بهشت کویر است؛ حقیقتاً بهشتی سرسبز، خوش آب و هوا و زیبا در دل داغ کویر شهداد؛ دره‌ای خنک با آیشاری زیبا که زیرپایش برکه‌ای ژال و آبی‌رنگ جان‌گرفته است. برای رسیدن به این بهشت، باید خودمان را به روستای کشیت برسانیم؛ روستایی که راهنمای محلی ما را به سمت آن هدایت می‌کند. دو طرف جاده درست مانند جاده کلوٲ‌ها تا چشم‌کار می‌کند بیابان و پوشش گیاهی مشهور بیابان است. مسیر خلوت است و آسفالتی کهنه دارد که به خاکی می‌رسد. در میان راه چند خانه‌گنبدی شکل قد کشیده که گویی متروکه‌اند. نیم ساعت بعد از گذر کلوٲ‌ها تابلوی رنگ و رو‌رفته‌ای در کنار جاده توی زمین فرو رفته که جمله «به روستای کشیت خوش آمدید» به سخی روی آن خوانده می‌شود.



صدای نمایندگانی چون سلحشوری، سعیدی، ذوالقدر، سیاوشی و اولادقیباد درآمده و جملگی خواستار عدم فروش و حفظ این خانه نفیس و تاریخی شده‌اند. مالکیت اولیه عمارت اقدسیه در اختیار محمد ظهیری، از مشاهیر و واقفان بنام شهر ملایر بوده که در سال ۱۳۷۹ به شهرداری تهران واگذار می‌شود. / جام‌جم دیلی



**در حیرتیم از آن چیزها که دیده‌ایم**

بافت روستای کشیت درست مانند بافت روستاهای کویر است، مردمش به لهجه‌ای شبیه لهجه کرمانی‌ها صحبت می‌کنند و لباس‌هایشان همان لباس مردمان شهداد و دیگر شهرهای کرمان است. محیط روستای کشیت مثل هر روستای دیگری دلچسب است؛ به ویژه آن‌که کوچه‌های پرنخلش در تاریکی شب؛ بر زیبایی و دلنشینی آن می‌افزاید و روح آدمی را به اعماق شهرهای جنوب می‌برد. چهره شب روستای پرنخل با روزش متفاوت است و ما با یک اقامت شبانه در روستا هر دو چهره خوب را دیدیم و حال خوب متفاوتی را تجربه‌کردیم.



کشیت در ۴۰ کیلومتری شهداد قرار دارد؛ در بخش گلباف کرمان. گلباف خوش آب و هوا ترین منطقه استان کرمان است که کرمانی‌ها در تابستان به روستاها و مناطق خنک آن سفر می‌کنند. خورشید که در آسمان کشیت پیدایش شد، راهنمایمان گفت: «آماده شوید برویم دریا!»

**برویم دریا!**

از شنیدن اسم دریا آن هم در میان یک روستای کویری هم خنده‌مان می‌گیرد و هم تعجب می‌کنیم. آماده می‌شویم و سمت دریا می‌روییم... تا از روستا خارج شویم، آنچه از روستا در تاریکی شب ندیده بودیم، حال جلوی چشممان سبز می‌شود؛ جوی آب و نخل‌های سبز، خانه‌های کاهگلی لایه‌لای خانه‌های سنگی و سیمانی و صدای آب و بادی که میان نخل‌ها می‌پیچد و به گوشمان می‌رسد. و البته ویرانه‌های برج‌ای مانده از یک قلعه متعلق به دوران سلجوقیان که بر بلندای روستا آرمیده و معماری شبیه ارگ بم دارد و گویا در گذشته با زلزله‌ای ویران شده است... بگذریم... وعده دریا دهنمان را درگیر کرده و فکر می‌کنیم حتی اگر دریای موعود سرابی بیش نبود، باز رسیدن به همین نقطه و آرامیدن کنار جوی آب و زیر سایه نخل‌ها کافی است تا بهترین احساس را در یک بیابان تجربه کنی.... اما ما با خارج شدن از روستا راهنمان را به سمت دریا ادامه می‌دهیم، در مسیر از پیچ‌های جیبیی شبیه دالان‌های باریک شنی عبور کرده و در نهایت به بالای دره‌ای می‌رسیم. از ماشین پیاده می‌شویم و پیاده شدن همان، و رویت منظره‌ای به غایت عجیب و زیبا همان... دره‌ای سبز با رودی جاری در میان آن که انتهایش بن بست است؛ بن بستِ از آیشار که زیر پایش برکه‌ای ژال و تماشاایی دلبری می‌کند. حالا می‌شود فهمید چرا محلی‌ها به اینجا دریا می‌گویند؛ وجود این برکه و دره‌ای سرسبز میان کویری خشک و بی‌آب، به معنای واقعی مفهوم دریا را در بردارد... خودمان را رها می‌کنیم میان دره... اینجا همان جاست که گفتم لباس گرم لازم‌تان می‌شود... دره سرد است و تمان به لرزمی‌ناشیند.



**و سرانجام بهشت کرمان**

دیوارهای دره شنی است و برای رفتن به داخل آن باید محتاطانه قدم برداشت... قدم برمی‌داریم تا انتهای دره. سه کیلومتر مسیر دره را که با درختان نخل و میوه پوشانده شده و رودی در میان آن جاری است، طی می‌کنیم. حالا به خود آیشار رسیده‌ایم؛ آیشاری به ارتفاع ۱۲ متر با حوضچه‌ای رویایی که هر کدام ۶۰۰ مترمربع مساحت دارند. آیشاری که به برکه فرومی‌ریزد و سرسری می‌شود، همانی است که در دل دره جاری است؛ با آبی شیرین... بد نیست این را هم بدانید که در این منطقه بیلاقی سحرانگیز هیچ زیرساختی نظیر محل اسکان و سرویس بهداشتی وجود ندارد، برای همین به اقامت یکی دو ساعته در آن اکتفا کنید و برای دسترسی به زیرساخت‌های مذکور به روستای کشیت بازگردید. راستی مراقبت از طبیعت یادتان نرود، زباله‌هایتان را در کیسه‌ای یا خود برگردانید و در طبیعت بکر منطقه رها نکنید.